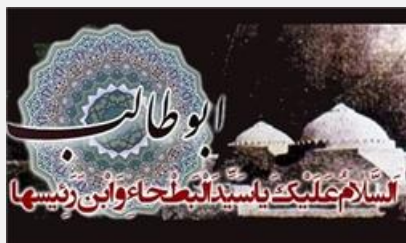


دلیل تاریخی به زبان نیاوردن اسلام ابوطالب

سیاست ویژه ابوطالب در شرایط آن روز عدم ابراز تنفر از بتان بود تا به این وسیله ابهت خود را میان مشرکین حفظ کرده و بتواند از پیامبر حمایت کند از این رو ایمان خود را ابراز نمی کرد.



سیاست ویژه ابوطالب در شرایط آن روز عدم ابراز تنفر از بتان بود تا به این وسیله ابهت خود را میان مشرکین حفظ کرده و بتواند از پیامبر حمایت کند از این رو ایمان خود را ابراز نمی کرد.

به گزارش خبرنگار تاریخ خبرگزاری فارس، با وجود حمایت‌های بی شائبه ابوطالب از پیامبر(ص) و حتی اشعاری که ابوطالب در تایید پیامبر(ص) و اقرار به اسلام گفته است اما شاید به دلیل تبلیغات بنی امیه به ویژه معاویه - که می‌کوشید پدرش ابوسفیان را با آنهمه سابقه دشمنی با اسلام، مسلمان و پدر علی را کافر خطاب کند. کوشش گسترده ای برای ثبت کفر ابوطالب صورت گرفت. این معنا را امام (ع) در نامه 17 نهج البلاغه آورده است امام در این نامه نوشته است.

و ابوسفیان را با ابوطالب قیاس نتوان کرد. آن که در راه خدا هجرت نمود چونان کسی نیست که رسول خدایش آزاد فرمود: این نامه که پاسخی برای نامه معاویه بوده است نشان می‌دهد کوشش معاویه در این موضوع از همان زمان آغاز شده است.

معاویه در جنگ با علی(ع) از هر ابزاری برا تخفیف موقعیت علی(ع) استفاده می کرد، از آن جمله می گفت: پدر من مسلمان از دنیا رفت اما ابوطالب کافر مرد.

این سیاست عمومی که تا پایان حکومت اموی ادامه داشت در سیر نقل اخبار و ثبت آن تاثیر گذاشت و در اندیشه فرقه های اهل تسنن هم راه یافت و بجز دوران عمر ابن عبدالعزیز تا روی کار آمدن عباسیان دنبال شد.

دکتر زریاب خویی به نقل از صفحات 63 به بعد جلد 14 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید شرح مفصلی از دلایل موافقان و مخالفان را آورده است و خود از اظهار نظر خودداری کرده است زیرا معتقد است در این موضوع مسئله از حوزه تاریخی خارج و صورت کلامی به خود گرفته است و ما از اظهار نظر در حوزه های غیر تاریخی خودداری می کند.

در باره اسلام ابوطالب تا آنجا که به مسایل تاریخی و استدلالهای بر گرفته از فلسفه تاریخ مربوط می‌شود باید گفت : به نظر می رسد مسئله اسلام و کفر ابوطالب حاصل دشمنی

بنی‌امیه و بنی هاشم است که آشنایان به تاریخ اسلام خوب می‌دانند تاریخچه این دشمنی به قبل از اسلام برمی‌گردد و معاویه حکومت خود را پیروزی بر بنی هاشم می‌دانست.

این دشمنی‌ها بعدا بخش‌های بزرگی از تاریخ اسلام را تحت تاثیر خود قرار داد. سیاست ویژه ابوطالب در شرایط آن روز عدم ابراز تنفر از بتان بود تا به این وسیله ابهت خود را میان مشرکین حفظ کرده و بتواند از پیامبر حمایت کند از این رو ایمان خود را ابراز نمی کرد علامه امینی در کتاب ارزشمند ابوطالب مظلوم تاریخ بر این نظر تصریح دارد. نا گفته نگذاریم که: به دلیل آنکه تا پایان دوران اموی کوشش‌های بی دریغی برای محو اخبار در فضیلت بنی هاشم صورت گرفت هیچ بعید نیست که در مورد ابراز ایمان ابوطالب هم خبری بوده باشد که قربانی این سیاست قومی شده باشد.

مورخان معاصر هم با قرائت متون قدیم و جمع آوری دلیل به این نتیجه رسیده اند که ابوطالب ایمان آورده بود.

مثلا دکتر زریاب خویی که با آوردن نکات متنوع سعی کرده است تا احساسات را در گزینش و نگارش تاریخ دخالت ندهد می نویسد: من معتقدم ابوطالب در دفاع و حمایت از برادرزاده اش نه تنها رعایت حمیت و تعصب خانوادگی را کرده بود ، بلکه دفاع شدید و سرسختانه او تا آخرین نفس دلیل ایمان و اعتقاد او به اسلام و رسالت برادرزاده خود بوده است.

در این مورد دکتر زرگر نژاد می نویسد: بر پایه تحلیل عقلانی رفتار ابوطالب، وی در صورت پای بندی واقعی به شرک، هرگز نمی توانست تعصب قومی را تا آن حد شدت دهد که شاهد هتک حرمت عقاید شرک آمیز خود باشد.

به عبارت دیگر اگر این موضوع درست باشد به این معناست که او از برادر زاده اش حمایت می کرد تا وی امکان توهین به عقاید مشرکین از جمله ابوطالب را داشته باشد لذا اگر ابوطالب واقعا مشرک بود به جای دفاع از برادرزاده اش به او نهیب می زد تا پافشاری محمد را (ص) را محدود کند و هم جان وی را نجات دهد و هم عقاید شرک آمیز خود را ، اما تاریخ سراغ ندارد که ابوطالب کمترین نهیبی به پیامبر (ص) زده باشد. در این باره علامه امینی هم در کتابی جدا و مفصل به شرح احوال و سیاستهای ابوطالب پرداخته است.

ما به این نتیجه می رسیم که : ابوطالب بزرگمردی است که سرتاسر تاریخ اسلام در ده سال او بعثت با نام وی گره خورده است و حمایت او تا این حد چیزی جز نشانه ایمان او نیست . سیاست او در لعن نکردن بتان هم کاملا هوشمندانه و مناسب با اقتضای زمان، در جهت حمایت از پیامبر است و آخر اینکه بدنام کردن او بدون شک از توطئه نامردانه معاویه متاثر است.

از این رو به جاست که مسلمین به جای طرح مسائل تفرقه افکن و این تهمت ها به مسائل مهمتر جهان اسلام و دشمنان اصلی آن فکر کنند و نا خواسته بازیچه دست امویان قدیم و جدید قرار نگیرند.

که اگر پیامبر(ص) اکرم در حق ابوطالب همین یک جمله را گفته باشد کافی است که: ما نالت منی قریش اکرهه حتی مات ابوطالب. تا زمانی که ابوطالب زنده بود قریش نتوانست مرا بیازارد.